دوشنبه ۲۶ مرداد ۱۴۰۵ ■ شماره ۷۲۸۹ ■ سال‌بیست‌ونهم

کوتاه خارجی

بعد از ۱۹ سال سیمپسون‌ها با یک فیلم جدید برمی‌گردند

دنباله «فیلم سیمپسون‌ها» که پیش‌تر برای اکران در ژوئیه ۲۰۲۷ برنامه‌ریزی شده بود، به سپتامبر همان سال موکول شده و عنوان «فیلم جدید سیمپسون‌ها»



را خواهد داشت. به گزارش خبرآنلاین به نقل از ورلد آو ریل، دنباله «فیلم سیمپسون‌ها» که قرار بود در تاریخ ۲۳ ژوئیه ۲۰۲۷ توسط استودیو قرن بیستم اکران شود، با تأخیر مواجه شده و تاریخ اکران آن به ۳ سپتامبر ۲۰۲۷ تغییر کرده است. دلیل این تغییر مشخص نیست، هرچند اکران در فصل تابستان می‌توانست انتخاب مناسب‌تری باشد.

اما نکته مهم‌تر این است که عنوان دنباله مشخص شده است: «فیلم جدید سیمپسون‌ها». پوستر این فیلم نیز در رویداد دی‌۲۳ رونمایی شده است. در این پوستر، هومر در کنار یک بوته ایستاده است؛ تصویری که به نظر می‌رسد به‌شدت از یک میم اینترنتی محبوب الهام گرفته باشد. در سال ۲۰۰۷، «فیلم سیمپسون‌ها» به موفقیتی بزرگ دست پیدا کرد و در سراسر جهان ۵۳۶ میلیون دلار فروش داشت و با استقبال مثبت منتقدان نیز روبه‌رو شد. جیمز ال. بروکس و مت گرونینگ، خالق «سیمپسون‌ها»، سال‌ها در برابر صحبت درباره ساخت دنباله مقاومت کرده بودند، اما سرانجام این پروژه در حال تحقق است. استودیو قرن بیستم و دیزنی هنوز فهرست رسمی نویسندگان «فیلم جدید سیمپسون‌ها» را اعلام نکرده‌اند.

صبر ایرج و پنجاه سال خاموشی در میهن

خبرآنلاین، فرید حیدری: حنجره‌ای که روزی روزگاری صحنه‌ها و استودیوها را در ایران می‌لرزاند، برای همیشه خاموش شد. استاد ایرج خواجه‌امیری، پهلوان آواز ایران، در ۹۴ سالگی چشم از جهان فروبست. همان مردی که بیش از هفت دهه، با آن صدای پهلوانی و ماندگار، روایتگر عشق و زیبایی‌های این سرزمین بود. اما این تنها پایان یک عمر نبود؛ بلکه پایانِ قصه‌ای تراژیک بود؛ قصه هنرمندی که هرگز ایران را ترک نکرد، اما انگار ایران او را از یاد برد.

به عنوان یک فعال فرهنگی و رسانه‌ای، بیش از دو سال پیش در یادداشتی با عنوان «مهاجرت معکوس با طنین‌های سیاسی» که در خبرآنلاین منتشر شد به مسئولان دستگاه فرهنگی هشدار دادم که با هنرمندان بازی نکنید. گفتم که اجازه دهید هنرمندان، هنر و صدایشان را برای مردم بر روی صحنه‌ها رها کنند. گوشزد کردم که اگر هنر و حنجره‌هایشان را به حبس بکشید و نامشان را از صحنه‌ها پاک کنید، روزی خواهد رسید که دیگر روی صحنه صدایی برای شنیدن نمی‌ماند. روزی خواهد رسید که وقتی این هنرمندانِ پیر و تنها در گوشه‌ای از همین شهر جان می‌سپارند، تنها چیزی که بر جای می‌ماند، افسوس دیروزی است که می‌شد جور دیگری بود. امّا افسوس، که گوش شنوایی نبود و امروز، با رفتنِ ایرج، تراژدی آن پیش‌بینی به تلخ‌ترین شکلِ ممکن به واقعیّت پیوست.

استاد ایرج خواجه‌امیری، بیش از دو هزار اثر در کارنامه خود دارد و همه این آثار قبل از انقلاب اجرا و ضبط شده‌اند. اما او پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ ماندن را به رفتن ترجیح داد و هرگز مهاجرت نکرد و در یکی از بیمارستان‌های تهران، همان شهری که عاشقش بود، درگذشت. با همه دشواری‌ها، محدودیت‌ها و بایکوت‌هایی که از سوی صدا و سیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بر او تحمیل شد، همانند بسیاری از هنرمندان دیگر، راهِ غربت را در پیش نگرفت. در سرزمین مادری خود ماند. اما مورد بی‌مهری قرار گرفت. حنجره‌اش را به حبس کشیدند. صدایش را از خانه، ماشین و خلوت مردمی که دوستش داشتند و دارند، دریغ کردند. ترانه‌هایش را از رسانه به اصطلاح ملی به شبکه‌های ماهواره‌ای لس‌آنجلسی تبعید کردند. در حالی که آثار هنرمندان مهاجر درآن‌سوی مرزها، در هر شبانه‌روز از رسانه‌های اینترنتی و ماهواره‌ای پخش می‌شد، ایرج در خانه خود در تهران نشسته بود و معصومانه تماشا می‌کرد



که چگونه هنر و صدایش را به فراموشی می‌سپارند.

اما ماجرا از قصه‌ی تلخِ «موسیقی مجاز» و «موسیقی غیرمجاز» شروع شد که نتیجه آن دوقطبی کردن هنر موسیقی یک ملت بود. آن‌هایی که ماندند، بایکوت شدند. آن‌هایی که رفتند، از دور طنین‌انداز شدند، اما به بیماری «غربت‌زدگی» مبتلا شدند و حالا، پس از نزدیک به پنج دهه، مسئولان از خوانندگانِ مهاجر همچنان دعوت می‌کنند که بازگردند. اما ایرج، که هرگز نرفت، هرگز دعوت نشد.

درگذشت گلپا و ایرج و منزوی کردن ایرج مهدیان، جواد یساری و عباس قادری که در طول سال‌های قبل مدیران فرهنگی و شاید سیاسی به شکل تحقیرآمیزی آن‌ها را به خواننده‌های کافه‌رستورانی تبدیل کرده‌اند، تلنگری است به هنرمندانی که بارها و بارها از سوی مسئولان [illegible] یک تحول فرهنگی و یا شاید هم با اهداف سیاسی به ایران دعوت شدند. اما آن‌هایی که نرفتند و ماندند در نهایت خاموش شدند. چون تجربه ثابت کرد کسانی که برگشتند به سرنوشتِ حبیب محبیان، ایرج خواجه‌امیری، اکبر گلپایگانی، محمدعلی فردین و ناصر ملک‌مطیعی دچار شدند و بازماندگان نسل طلایی فرهنگ و هنر این جغرافیا، هر کَدام در گوشه‌ای از شهرهای دور و نزدیک ایران، در خاموشیِ محض، مظلومانه جان سپردند.

هنرمندی که می‌توانست برود و در غربت بخواند تا نامش را همه فریاد بزنند، ماند تا در میهن زندگی کند و در خاک سرزمین خود به خاک سپرده شود. او ماند ولی صدایش را نزدیک به پنجاه سال خاموش کردند و این یکی از دردناک‌ترین تراژدی‌های موسیقی ایران است. متأسفانه هر بار با درگذشت هر چهره مطرح و محبوبی، این پرسش تلخ بی‌پاسخ می‌ماند: هنرمندانی که هرگز سرزمین خود را ترک نکردند، ولی در نهایت در داخل تحریم و فیلتر شده و به انزوای هنری و اجتماعی کشیده شدند، چه تضمینی وجود دارد که هنرمندانی مانند معین، سیاوش قمیشی، مارتیک و دیگران که سال‌ها در خارج از ایران زندگی و فعالیت‌های هنری کرده‌اند، امروز روی صحنه‌های پرشور تهران، تبریز، اصفهان، شیراز و مشهد آزادانه بخوانند؟

هشدارِ دو سال پیش من، امروز به سوگ‌نامه‌ای تلخ تبدیل شد. کاش آن هشدار جدی گرفته می‌شد. ای کاش مسئولان می‌دانستند که هنرمندان این سرزمین را نباید به بازی گرفت. ای کاش می‌گذاشتند صدای ایرج و گلپا، تا آخرین روز عمرشان، در متن جامعه طنین‌انداز شود؛ این اتفاق رخ نداد و زین‌پس آثار ماندگار نسل طلایی فرهنگ و هنر ایران به بخش مهمی از میراث ناملموس این سرزمین تبدیل می‌شود که یا در موزه‌های دیجیتال باید جستجو کرد یا در کتاب‌های تاریخ و درسی به دنبال آن بود. البته اگر این بار سانسورچی‌ها دست به قلم نشوند.

PDF Compressor Free Version

کوتاه داخلی

از فجر ۴۴ تا پرده سینما
۲۶ فیلم هنوز در انتظار اکران هستند

با گذشت بیش از ۶ ماه از جشنواره فیلم فجر، از ۳۱ فیلم بخش مسابقه، ۲۶ اثر همچنان اکران نشده‌اند. به گزارش مهر، چهل‌وچهارمین دوره جشنواره فیلم فجر، بهمن ۱۴۰۴، با رونمایی از تازه‌ترین تولیدات سینمای ایران برگزار شد؛ آثاری که انتظار می‌رفت پس از این رویداد مهم سینمایی، به‌تدریج راهی پرده‌های سینما شوند اما مرور وضعیت اکران این فیلم‌ها تا نیمه مرداد ۱۴۰۵ نشان می‌دهد که فاصله میان «نمایش جشنواره‌ای» و «اکران عمومی» همچنان به عنوان یکی از چالش‌های جدی در چرخه توزیع و نمایش سینمای کشور باقی مانده است.

در این دوره از جشنواره، فیلم‌هایی چون «آرامبخش» به کارگردانی سعید زمانیان، «آندو» ساخته مرتضی رحیمی، «اردوبهشت» از محمد داودی، «استخر» اثر سروش صحت، «اسکورت» به کارگردانی یوسف حاتمی‌کیا، «بیلبورد» ساخته سعید دشتی، «پروانه» از محمد برزویی‌پور، «پل» اثر محمد عسگری، «تقاطع نهایی» ساخته سعید جلیلی، «جانشین» از مهدی شامحمدی، «جهان مبهم هاتف» به کارگردانی مجید رستگار، «حاشیه» اثر محمد علیزاده‌فرد، «حال خوب زن» ساخته مهدی برزکی، «خواب» از مانی مقدم، «خیابان جمهوری» به کارگردانی منوچهر هادی، «دختر پری‌خانوم» اثر علیرضا معتمدی، «رقص باد» ساخته سیدجواد حسینی، «زندگی کوچک کوچک» از امیرحسین ثقفی، «زنده‌شور» اثر کاظم دانشی، «سرزمین فرشته‌ها» به کارگردانی بابک خواجه‌پاشا، «سقف» ساخته ابراهیم امینی، «غبار میمون» از آرش معیریان، «غوطه‌ور» اثر محمدجواد حکمی، «قایق‌سواری در تهران» به کارگردانی رسول صدرعاملی، «قمارباز» ساخته محسن بهاری، «کارواش» اثر احمد مرادپور، «کافه سلطان» از مصطفی رزاق‌کریمی، «کوچ» به کارگردانی محمد اسفندیاری، «گیس» اثر محسن جسور، «مارون» ساخته امیر احمد انصاری، و «نیم‌شب» از محمدحسین مهدویان به نمایش درآمدند. همچنین ۲ فیلم «مولا» و «نگهبانان خورشید» خارج از بخش مسابقه جشنواره روی پرده رفتند.



یکی از مهم‌ترین عواملی که روند اکران آثار این دوره از جشنواره را تحت تأثیر قرار داد، آغاز جنگ رمضان در اسفند همان سال بود؛ رویدادی که عملاً بخش بزرگی از فرصت طلایی اکران نوروزی را از بسیاری از فیلم‌ها گرفت. در حالی که نوروز همواره یکی از پررونق‌ترین و پرفروش‌ترین بازه‌های اکران در سینمای ایران به شمار می‌رود، شمار قابل‌توجهی از فیلم‌های جشنواره نتوانستند از این موقعیت بهره ببرند. در این میان، فیلم‌های «قمارباز» ساخته محسن بهاری و «نیم‌شب» اثر محمدحسین مهدویان، به دلیل ارتباط مستقیم با موضوع جنگ، شرایط متفاوتی داشتند و در همان بازه زمانی نخست وارد چرخه اکران شدند. چند ماه بعد و با کاهش تنش‌ها، فیلم‌های «استخر» و «زنده‌شور» از ۲۴ تیر روی پرده رفتند و در همان هفته‌های ابتدایی، صدرنشین جدول فروش شدند. همچنین فیلم سینمایی «سقف» به تهیه‌کنندگی سعید خانی و کارگردانی ابراهیم امینی، قرار است از چهارشنبه ۲۸ مرداد در برنامه اکران سراسری سینماها قرار گیرد.

از سوی دیگر، شرایط ناپایدار در فضای کنونی کشور امکان پیش‌بینی را از افراد گرفته و تصمیم‌گیری برای زمان اکران را برای تهیه‌کنندگان دشوار ساخته است. اکران هر فیلم مستلزم صرف هزینه‌های تبلیغاتی، برنامه‌ریزی رسانه‌ای و برآورد میزان اقبال مخاطب است؛ و در شرایطی که وضعیت عمومی کشور به سرعت می‌تواند تحت تأثیر تحولات سیاسی، اجتماعی یا امنیتی قرار گیرد، ریسک اقتصادی این تصمیم به طرز چشمگیری افزایش می‌یابد. همین موضوع سبب شده که برخی تهیه‌کنندگان ترجیح دهند با صبر بیشتر، زمان مناسب‌تری را برای اکران فیلم‌های خود انتخاب کنند تا اثرشان در شرایطی باثبات‌تر و با امکان برنامه‌ریزی دقیق‌تر به سینماها برسد. به‌طور کلی، از جشنواره فجر سال گذشته تاکنون، از میان ۳۱ فیلم حاضر در بخش سودای سیمرغ، ۲۶ اثر هنوز اکران نشده‌اند. اگرچه بسترهایی نظیر اکران گروه «هنروتجربه»، اکران سیار و اکران آنلاین می‌توانند به عنوان مکملی برای اکران عمومی عمل کنند اما نباید اجازه داد فرصت مناسب اکران برای این آثار از دست برود.

فراخوان نوزدهمین جشنواره ملی موسیقی جوان منتشر شد

نوزدهمین جشنوارهٔ ملی موسیقی جوان با مشارکت گستردهٔ استادان برجستهٔ موسیقی کشور توسط انجمن موسیقی ایران و با حمایت دفتر امور موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار خواهد شد. به گزارش خبرآنلاین به نقل از روابط عمومی انجمن موسیقی ایران، نوزدهمین جشنوارهٔ ملی موسیقی جوان به دبیری حمیدرضا اردلان در چهار بخش اصلی «موسیقی دستگاهی»، «موسیقی نواحی»، «موسیقی کلاسیک غربی»، «آهنگسازی» و یک بخش ویژه «شناخت و حفظ ردیف» برگزار خواهد شد. این جشنواره برای سه گروه سنی «الف» ۱۵ تا ۱۸ سال: متولدین سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۹، «ب» ۱۹ تا ۲۳ سال: متولدین سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۵ و «ج» ۲۴ تا ۲۹ سال: متولدین سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰ طراحی شده است. متقاضیانی که سن آنها از ۱۵ سال کمتر است، در صورت آمادگی و تمایل، می‌توانند آثار خود را برای بررسی در گروه «الف» ارسال کنند. متقاضیان می‌توانند با ثبت‌نام و ارسال اجرای رپرتوار مشخص‌شده برای هر بخش به‌صورت ضبط ویدئویی در موعد مقرر (تا ۱۵مهرماه ۱۴۰۵) از طریق سامانهٔ «بامک» در این جشنواره شرکت کنند. پس از بررسی و ارزیابی آثار ارسالی، توسط هیئت‌های داوران از پذیرفته‌شدگان برای شرکت در مرحلهٔ نهایی دعوت به عمل خواهد آمد.



مهران مدیری با ۲ برنامه به قاب تصویر برمی‌گردد

برنامه «شاه‌گل» و سریال «مرد سه‌هزار چهره» دو مجموعه‌ای هستند که با حضور مهران مدیری، به‌زودی از تلویزیون و شبکه نمایش خانگی پخش می‌شود. به گزارش ایسنا، پخش «مرد سه‌هزار چهره» مهران مدیری قرار است از یکشنبه ـ ۸ شهریور ماه ـ در شبکه سه سیما به صورت هفتگی آغاز شود. شبکه سه سیما با پایان پخش «رویای نیمه‌شب»، سراغ جدول تازه خود می‌رود؛ «مرد سه‌هزار چهره» به کارگردانی مهران مدیری قرار است جمعه‌های این شبکه را در اختیار بگیرد و به‌عنوان یکی از برنامه‌های هفتگی شاخص، به آنتن این شبکه اضافه شود. مهران مدیری که با سریال «مرد سه هزارچهره» به تلویزیون بازگشته است، بار دیگر نقش مسعود شصتچی را که شخصیت اصلی سریال است، ایفا می‌کند. کارگردان و بازیگر تلویزیون که پیش‌تر مجموعه‌های «پاورچین»، «شب‌های بره»، «باغ مظفر»، «مرد هزارچهره» و «مرد دو هزارچهره» را ساخته است، این بار با سریال «مرد سه هزارچهره» راهی تلویزیون می‌شود، مجموعه‌ای طنز که توسط مرکز سیمافیلم سفارش داده شده، با تهیه‌کنندگی جواد فرحانی تولید می‌شود و مهران مدیری در آن نقش خاطره‌انگیز مسعود شصتچی را دوباره بازی می‌کند. داستان سریال درباره‌ی مسعود شصتچی است که می‌کوشد با استخدام در یک اداره، کمک‌خرج پدرش باشد اما مانند همیشه، ماجراهای غیرمنتظره و اتفاقاتی طنزآمیز او را وارد مسیرهای تازه‌ای می‌کند. مدیری پیشتر اعلام کرده بود که شخصیت اصلی این سریال، «مسعود شصت‌چی»، الهام‌گرفته از پدرش است. او گفته بود: در شخصیت مسعود شصت‌چی در واقع نقش پدرم را بازی کردم. پدرم همین مسعود شصت‌چی بود. او شخصیتی آرام، محترم، خلوت، شریف و مظلوم بود. پژمان بازغی، نصرالله رادش، محمد بحرانی، غلامرضا نیکخواه، پروین قائم‌مقامی، نوشین تبریزی، رامین ناصر نصیر، آرش نوذری و علیرضا مهران در این مجموعه حضور دارند. مدیری پیش از این سریال «شش ماهه» را هم برای تلویزیون ساخته بود که چندان با اقبال مواجه نشد. «شاه گل» که به حضور چهره‌های شاخص بازی گل یا پوچ در این برنامه برمی‌گردد، از چهارشنبه ـ ۲۸ مرداد ۱۴۰۵ ـ به طور اختصاصی از شبکه نمایش خانگی منتشر می‌شود. این برنامه هر هفته چهارشنبه‌ها ساعت ۲۰ پخش خواهد شد. اجرای نخستین فصل از برنامه «شاه گل» را مهران مدیری بر عهده داشت. پس از او صابر ابر جای او را گرفت و حالا بار دیگر مدیری به این مسند بازگشته است.



ماجرای حمله امام جمعه تبریز به یک تئاتر چیست؟

یک تئاتر در تبریز باعث شد میان کارگردان این نمایش و امام جمعه تبریز بحثی درباره اهمیت برخی شخصیت‌های تاریخی و نسبت آنها با چهره‌های معتبر جهان تشیع شکل بگیرد؛ بحثی که بیش از هر چیز بیانگر تفاوتی مهم میان نگاه رسمی حاکمیت و نگاه بخشی از جامعه به مفهوم ایران و هویت ایرانی است.

به گزارش رویداد۲۴، ماجرا از آن قرار است که یعقوب صدیق‌جمالی، کارگردان نمایش «کوراوغلی» که از اعضای ستاد انتخاباتی مسعود پزشکیان هم بوده، در نشست خبری این تئاتر گفته است: «همان‌طور که امام رضا در مقابل خلفای عباسی ایستاد، بابک هم در مقابل خلفای عباسی ایستاد. چرا مقابله امام رضا با خلفای عباسی حقانیت دارد، اما مقابله بابک اسلام‌ستیزی است؟ ما نمی‌توانیم قهرمانانمان را نگه داریم یا نمی‌خواهیم.»

این اظهارات با واکنش‌های گسترده‌ای در فضای مجازی روبه‌رو شد؛ تا جایی که حجت‌الاسلام احمد مطهری‌اصل، امام جمعه تبریز، بدون آنکه نامی از این کارگردان ببرد، از «مقایسه امام رضا با فلان فرد» انتقاد کرده و گفته است نمی‌توان «به اسم هنر هر چیزی» مطرح کرد. او همچنین خطاب به مسئولان گفته بود امکان جلوگیری از چنین مواردی وجود دارد، اما به خاطر حفظ وحدت خویشتن‌داری می‌کنند.

این سخنان امام جمعه بار دیگر از یک تفاوت دیدگاه اساسی پرده برداشت: شخصیت‌های مشهور تاریخی ایران که لزوماً ارتباطی با اسلام ندارند، تا کجا می‌توانند مورد توجه و ستایش قرار بگیرند؟ آیا ملی‌گرایی بخشی از جامعه ایران با ملی‌گرایی مدنظر حاکمیت تفاوت دارد؟ و از همه مهم‌تر، بابک خرمدین که بود که مطرح شدن نام او در کنار امام رضا(ع) تا این اندازه می‌تواند مناقشه‌برانگیز باشد؟

بدبینی به بابک خرمدین ریشه در رویکرد چهره های مهم انقلاب اسلامی دارد. مرتضی مطهری درباره بابک خرمدین گفته است: «تاریخ را شما بخوانید! می‌بینید شعارها ایرانی است، اسم‌ها همه ایرانی است. ایرانی‌هایی که با بابک می‌جنگیدند گرزی داشتند اسمش را گذاشته بودند کافرکوب. بابک با اسلام و مسلمین می‌جنگید، با عرب نمی‌جنگید، عربی او که با معتصم [نمی‌جنگید.] اگر ایرانی‌های مسلمان بابک را یک عنصر ضداسلامی تشخیص نمی‌دادند که با او به نفع معتصم نمی‌جنگیدند. ایرانی‌ها از معتصم نهایت تنفر را داشتند ولی حاضر نبودند به قیمت جنگیدن با معتصم‌ها بیایند بابک‌ها را تأیید کنند. می‌دیدند اگر امر دائر بشود میان بابک و معتصم، باز معتصم از بابک بهتر است.»



حال سؤال اینجاست که علمای شیعه چرا تا این اندازه نسبت به بابک خرمدین بدبین هستند؟ بابک خرمدین کیست و چرا تا این اندازه مناقشه‌برانگیز است؟

در تاریخ، بابک خرمدین را رهبر یکی از مهم‌ترین جنبش‌های مقاومت در برابر حکومت عباسی دانسته‌اند. نکته جالب توجه درباره جنبش خرمدینان این بود که آنان به خون‌خواهی از ابومسلم خراسانی دست به قیام زدند.

برای خواننده این مقاله شاید همین موضوع کافی باشد تا بابک خرمدین را در شمار چهره‌های خوش‌نام تاریخ ایران قرار دهد. اما ماجرا پیچیده‌تر از این حرف‌هاست. یکی از دلایل عمده مخالفت برخی علما و متفکران شیعه با بابک خرمدین ــ که می‌توان نمود آن را در سخنان امام جمعه تبریز هم مشاهده کرد ــ به عقاید مذهبی و سیاسی بابک و خرمدینان بازمی‌گردد.

ویلفرد مادلونگ، اسلام‌شناس و استاد تاریخ اسلام دانشگاه آکسفورد، می‌توان نماینده نوعی مقاومت ایرانی در برابر حاکمیتی دانست که داعیه حکومت اسلامی داشت.

تحلیل پژوهشگران بر اساس مجموعه گزارش‌های تاریخی، از جمله گزارش های مطهر بن مطهر (یا طاهر) مقدسی از مورخان و مؤلفان قرن چهارم هجری، قیام خرمدینان را ناشی از سه عامل دانسته است. دلیل نخست سیاسی است. ریشه این خشم سیاسی به کشته شدن ابومسلم خراسانی بازمی‌گردد؛ اتفاقی که ظاهراً باعث خشم فراوان خرمدینان شده بود، زیرا ابومسلم را نماد مبارزه یک ایرانی با حاکمیت عربی می‌دانستند. دلیل دومی که برای قیام خرمدینان مطرح می‌کنند، اقتصادی است. به استناد این گزارش ها، اصحاب بابک و خرمدینان در تنگدستی می‌زیستند. این تنگدستی به‌طور کلی ناشی از زورگویی عمال دولتی و جنگ‌های امرای محلی با یکدیگر بوده است. دلیل سوم و شاید مهم‌ترین دلیل قیام خرمدینان، مذهبی است. پژوهش‌ها ظاهرا مسلمانان، اعم از عرب و ایرانی، تحقیر می‌کردند. بر اساس این روایت ها، اصحاب بابک در فقر و ذلت به سر می‌بردند. ظاهراً مردم خرمی‌مذهب آن روستاها و نواحی، که از ذلت و خواری رنج می‌بردند و بنا بر عقاید دینی خود منتظر قیام بودند، به دستور بابک شوریدند و عمال و مأموران خلیفه را، به شرحی که در «البدء و التاریخ» مقدسی آمده، به قتل رساندند.

این عوامل به‌خوبی بخشی از ریشه‌های قیام خرمدینان را آشکار می‌کند. خرمدینان را می‌توان نماد و نماینده نوعی مقاومت ایرانی و آذربایجانی در برابر فشار حکومت عباسی دانست. شاید یکی از دلایلی که نام بابک خرمدین برای برخی روحانیان حساسیت‌برانگیز است، همین ماهیت ضدخلافتی و هویت ایرانی جنبش او باشد؛ جنبشی که در برخی روایت‌ها در تقابل با جهان دینی مورد پذیرش علمای مسلمان قرار می‌گیرد.

عقاید خرمدینان چه بود؟

درباره عقاید خرمدینان باید بسیار محتاط بود؛ چراکه بسیاری از نسبت‌هایی که در منابع تاریخی به پیروان این فرقه سیاسی ـ مذهبی داده شده، ممکن است متأثر از عداوت، دشمنی و رقابت‌های مذهبی نویسندگان آن منابع باشد. برای مثال، درباره بی‌بندوباری جنسی خرمدینان در طول تاریخ، سند روایی محکمی وجود ندارد. اما یک نکته تقریباً روشن است: خرمدینان عقایدی متفاوت و در مواردی متعارض با عقاید مورد پذیرش علمای مسلمان و شیعه داشتند.

بیشتر مؤلفان و محققان، خرمیه را بازماندگان پیروان مزدک و در شمار فرقه‌های مزدکی محسوب کرده‌اند. به نوشته ابن‌ندیم، خرمیه بابکیه پیروان بابک بودند و بابک خود دعوی الوهیت داشت و در «مذاهب الخرمیهٔ» قتل، خشم، جنگ و مثله را بدعت نهاد.احتمالاً مقصود ابن‌ندیم همان عقیده خرمدینان به حلول یا تجسد امر الهی در انسان است؛ باوری که براساس آن، امر الهی می‌توانست در یک انسان تجلی پیدا کند و در برخی روایت‌ها این عقیده به شخص بابک نسبت داده شده است.

برخی علما و محققان نیز خرمدینان را به مزدک نسبت داده‌اند. ابن‌ندیم که در بخش مربوط به «مذاهب الخرمیهٔ و المزدکیهٔ» بر کتاب «عیون المسائل و الجوابات»، اثر ابوالقاسم بلخی، تکیه داشته، خرمیه را به دو گروه تقسیم کرده است؛ خرمیه نخستین ــ که «محمّره» یا سرخ‌جامگان نیز نامیده می‌شدند ــ در آذربایجان، ارمینیه، سرزمین دیلم، همدان و دینور زندگی می‌کردند. آنان ابتدا بر دین مجوسی بودند و بعدها به طریق دیگری رفتند. ابن‌ندیم ــ احتمالاً بر پایه همان مأخذ ــ از دو مزدک سخن می‌گوید؛ یکی «مزدک قدیم» که خرمیه نخستین پیروان او بودند و مذهب ایشان را کام‌جویی، نرم‌خویی، پرهیز از جنگ و خون‌ریزی و آزار توصیف کرده است.

مجموع این روایت‌ها نشان می‌دهد خرم‌دینی را باید جریانی با ریشه‌های عمیق در سنت‌های دینی پیش از اسلام دانست که در دوره اسلامی نیز به حیات خود ادامه داده و با عناصر سیاسی و هویتی ایرانی درآمیخته است. خرمدینان همچنین به تناسخ اعتقاد داشتند و معتقد بودند روح انسان پس از مرگ می‌تواند در جسم شخص دیگری ادامه پیدا کند. با این توضیحات، دلایل مخالفت آیت‌الله مطهری با بابک خرمدین نیز روشن‌تر می‌شود. بابک خرمدین در چهارچوب اسلام تعریف نمی‌شد و جنبشی که رهبری می‌کرد نیز از نظر اعتقادی فاصله زیادی با آموزه‌های پذیرفته‌شده در تشیع داشت.

دلیل اصلی واکنش امام جمعه تبریز را باید در سخنان یعقوب صدیق‌جمالی جست‌وجو کرد؛ جایی که او بابک خرمدین را در کنار امام رضا(ع) قرار داد و میان ایستادگی این دو در برابر خلفای عباسی نوعی مقایسه برقرار کرد. در این فقره باید به این نکته نیز توجه داشت که طرح چنین مقایسه‌هایی می‌تواند در جامعه‌ای با ضریب نفوذ بالای دین، حساسیت‌های فراوانی ایجاد کند.

در اینکه بابک خرمدین برای بخشی از ایرانیان، به‌ویژه در آذربایجان، شخصیتی تاریخی و قابل احترام است، تردیدی وجود ندارد. اما مناقشه از جایی آغاز می‌شود که یک شخصیت تاریخی و ملی در کنار شخصیتی مذهبی با جایگاه قدسی همچون امام رضا(ع) قرار می‌گیرد. وجه مشترک این دو ممکن است ایستادگی در برابر خلافت عباسی باشد؛ اما برای بخش مذهبی جامعه چنین قیاسی اساساً پذیرفتنی نیست.